

حامد هادیان، نویسنده کتاب «خبرنگار دو دلاری»:

# حرف خبرنگاران میدانی باورپذیر است



علطه جعفری خبرنگار گروهفرهنگ

**صحبت کنیم. از چه زمانی برای شما مهم شد که خبرنگار بحران شوید و این روایت را بنویسید؟**
بحران بخشی از ماجرا بود، بیشتر دنبال این بودم تا درباره موضوعی نویسم که تازه است و همین تازه بودن با برخی موضوعات مهجورانی داشت. بحران و جنگ دقیقا در همین بازه‌ها قرار می‌گیرند. نکته مهم اینجاست که یک خبرنگار به تجربه بیشتری نیاز دارد تا روایتش کامل باشد. وقتی سوزها تازه‌باشند، از نظر حرفه‌ای جذابیت هم دارد. فکر می‌کردم می‌توانم در این حوزه‌ها مفید باشم. براساس تجربه‌های قبلی، مطالعه و خیلی چیزهای دیگر احساس می‌کردم اندازه خودم می‌توانم مفید باشم به خاطر همین فعالیت در این حوزه را شروع کردم. یک‌سری چیزهای جدید را تجربه کرده و البته برای من روایت از اتفاق‌ها پشت سر هم پیش آمد.

«شب، از یک مسافر خانه قدیمی در خارکف به علی پیام دادم؛ «بیشتر از اینکه صدای بیجا ترسناک باشد باید گنج کشفه است». شب بود و ظلمات محض. با صدای انفجاری مهیب در همان حوالی از خواب پریدم و فکر کردم تو به‌سان انسانی تاوان هر ثانیه منتظر تصمیم یک گلوله سرگردان هستی که به تو برسد یا نه! علی جواب داد: «اگر نمری، عادت می‌کنی»؛ کتایش از فلک یک است، اما این رفت و برگشت‌ها اصلا مخاطب را اذیت نمی‌کند. حامد هادیان اولین سرفش برای روایت بحران‌ها و اوکرین نداشت، قبل از این هم بحران و جنگ‌های درخشان افغانستان سوز و پاره‌ها تا بحران‌های داخلی که خودمان در کشور داشتیم و به جای اینکه پشت لب‌تپاش بنشینند و یک تلفن وجود چند سوت‌جوجی ساده روایتش را بنویسد، لب‌های بحران می‌رود تا به قول خود خبرنگار جدیدی داشته باشد. باورم رسید به اوکرین بخشی‌های زادی می‌کنند اما ناامید نمی‌شود و با تجربه این‌سفرها چنددبر اما می‌رود. برای انتشار کتایش هم سختی‌های زیادی کشید و بالاخره در روزهای آخر به سی‌چهارهین نمایشگاه کتاب رسید. «خبرنگار دولاری در قالم سرفنامه نوشته شده‌اما با سرفنامه‌های معمولی متفاوت است. این سرفر در بحیوحه جنگ اوکرین و روسیه اتفاق می‌افتد و ۴۰ روز هم طول می‌کشد. هادیان حوزه تخصصی‌اش بحران است. او برای نوشتن این کتاب خود را به اوکرین رسانده تا واری بخشی مغفول از این جنگ و ویژگی‌های انسانی آن باشد. گفتگی او با او فرهیختگان، را بخوانید که از سختی‌های این مدل روایت گفته است.

|||

**چرا روایت از اوکرین برای شما مهم بود؟**

اوکرین، اولین کار رسانه‌ای من نبود که در حوزه بحران قرار می‌گرفت. من پیش از این به افغانستان، عراق و سوریه هم رفته بودم. وقتی می‌گویم روایت کردن از منظور برای من مهم است، پس اوکرین هم جزء همین گزینه‌های بود که باید انتخاب می‌شد و در این چهارچوب قرار می‌گرفت. شاید اوکرین در ظاهر با ما فاصله داشته باشد اما روایت نزدیک از این بحران مهم بود. به سواد هم دست داشته بودم ولی برخی سفرها را نمی‌توان رفت. چون هرچه تفلای می‌کنید باز هم نمی‌رسید. اوکرین جزه گزینه‌هایی بود که باید حتماً رفت می‌شد و مطمئن بودم کسی نمی‌رود. می‌دانستم برای صدایموسدا اهمیت ندارد، بیرونی‌باشیمان ندارند، بنابراین بگیرم شدم و اوکرین هم مجوز داد. البته کشورهای هستند که مجوز نمی‌دهند ولی اوکرین این مجوز را داد و راضی شدم.

**در صحبت‌هایتان از این گفتید که اوکرین در دستم مظلوم‌ها قرار داشت و برای همین روایت از آنجا را برای خودتان واجب می‌دانستید.**
افاقا قبل از رفتن به این سرفر، به چند گفت‌وآ محبت‌مکند، تا بتوانم با خیال راحت‌تری این‌باری من مهم‌نویس. در افغانستان خبرنگاران خارجی را دیده‌بودم و آن‌ها سواد بود. گفتیم هم‌گرا بشویم، برای مردم با مردم هم‌فکر می‌شوند و می‌توانند بیشتر دولت‌ها هستند که شاید با هم مشکل داشته‌باشند. به‌غیر از آن‌که حرف‌های روایت‌گرگزارن نویسی اینکه محدود به خودباشم و منافع ملی را در پی‌نباشم، ما را عقب می‌اندازد. این‌باری من مهم‌نویس. در افغانستان خبرنگاران خارجی را دیده‌بودم و آن‌ها آشنا شده‌و مردم که روایت آنها فقط باغی خوششان نبود. در عراق افغانستان حضور داشتند و درحالی که شاید خیلی به آنها باطنی نداشت‌ولی می‌توانستند محتوا تولید کنند و همین حضور بود که سرمشای جدیدی برای آنها مای می‌کرد.

**در صحبت‌هایتان از این گفتید که اوکرین در دستم مظلوم‌ها قرار داشت و برای همین روایت از آنجا را برای خودتان واجب می‌دانستید.**
افاقا قبل از رفتن به این سرفر، به چند گفت‌وآ محبت‌مکند، تا بتوانم با خیال راحت‌تری این‌باری من مهم‌نویس. در افغانستان خبرنگاران خارجی را دیده‌بودم و آن‌ها سواد بود. گفتیم هم‌گرا بشویم، برای مردم با مردم هم‌فکر می‌شوند و می‌توانند بیشتر دولت‌ها هستند که شاید با هم مشکل داشته‌باشند. به‌غیر از آن‌که حرف‌های روایت‌گرگزارن نویسی اینکه محدود به خودباشم و منافع ملی را در پی‌نباشم، ما را عقب می‌اندازد. این‌باری من مهم‌نویس. در افغانستان خبرنگاران خارجی را دیده‌بودم و آن‌ها آشنا شده‌و مردم که روایت آنها فقط باغی خوششان نبود. در عراق افغانستان حضور داشتند و درحالی که شاید خیلی به آنها باطنی نداشت‌ولی می‌توانستند محتوا تولید کنند و همین حضور بود که سرمشای جدیدی برای آنها مای می‌کرد.

**گزارشی از جنگ اوکرین در رسانه‌های خودمان منتشر کردید؟**
بله، برای یک مجله گزارش نوشتم و منتشر شد.

**ناسور هم شد؟**
نه! آن زمان اخبار اوکرین و گینگ ناسور نبود. شد. یک چیز دیگری که باید گویم این



## فرهنگ

یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۰۲ شماره ۳۸۷۵

# ۱۲



است که من گزارشی برای رسانه‌های خودمان نمی‌فرستادم، چون از طرف جایی به این سرفر خوشتر. خبرگزاری‌هایی که آنجا هستند یک پشتیبانی سیستمی دارند. تازه است و همین تازه بودن با برخی موضوعات مهجورانی داشت. بحران و جنگ دقیقا در همین بازه‌ها قرار می‌گیرند. نکته مهم اینجاست که یک خبرنگار به تجربه بیشتری نیاز دارد تا روایتش کامل باشد. وقتی سوزها تازه‌باشند، از نظر حرفه‌ای جذابیت هم دارد. فکر می‌کردم می‌توانم در این حوزه‌ها مفید باشم. براساس تجربه‌های قبلی، مطالعه و خیلی چیزهای دیگر احساس می‌کردم اندازه خودم می‌توانم مفید باشم به خاطر همین فعالیت در این حوزه را شروع کردم. یک‌سری چیزهای جدید را تجربه کرده و البته برای من روایت از اتفاق‌ها پشت سر هم پیش آمد.

**صحت‌یار دستگیر شدید؟**
بحران بخشی از ماجرا بود، بیشتر دنبال این بودم تا درباره موضوعی نویسم که تازه است و همین تازه بودن با برخی موضوعات مهجورانی داشت. بحران و جنگ دقیقا در همین بازه‌ها قرار می‌گیرند. نکته مهم اینجاست که یک خبرنگار به تجربه بیشتری نیاز دارد تا روایتش کامل باشد. وقتی سوزها تازه‌باشند، از نظر حرفه‌ای جذابیت هم دارد. فکر می‌کردم می‌توانم در این حوزه‌ها مفید باشم. براساس تجربه‌های قبلی، مطالعه و خیلی چیزهای دیگر احساس می‌کردم اندازه خودم می‌توانم مفید باشم به خاطر همین فعالیت در این حوزه را شروع کردم. یک‌سری چیزهای جدید را تجربه کرده و البته برای من روایت از اتفاق‌ها پشت سر هم پیش آمد.

**روایت جنگ با بحران متفاوت با سرفنامه نویسی است. گاهی نویسنده‌ای سرفنامه می‌نویسد و از سرفش برای مخاطب تعریف می‌کند، نوشتن از بحران با وجود اینکه سرف هم در دل خودش دارد اما متفاوت است. برای اینکه از تفاوت در روایت مشخص باشد چه اقدامی کردید؟ از قبل روایت‌هایی از جنگ‌های مختلف که منتشر شده بود را خواندید؟**

بله روایت‌های این مدلی را خوانده بودم. چند کتاب معروف در این زمینه دارم که سعی کردم قبل از شروع سرفنامه این کتاب‌ها را بخوانم. مطمئنا این مدل روایت این سرفنامه با متفاوت است چون در سرفنامه نویسنده به یک مکان توریستی می‌رود و درباره زیبایی‌های آنجا صحبت می‌کند. ممکن است مشکلاتی هم در این سرف پیش بیاید، مثلاً اینکه از شما چیزی بیفتد ولی اتفاق ویژه‌ای رقم نمی‌خورد. ولی در روایتی که از جنگ وجود دارد این خط مقدم نیست که روایت می‌شود، حاشیه جنگ است که بلند می‌شود. در این مدل روایت حتی آدم‌هایی که در آن بحران هستند، وضعت طبیعی ندارد. در سرفنامه جایی می‌رود که وضعت نرمال است، زیبایی‌هایی می‌بینید که درایران تازه است و همان را روایت می‌کنید. اما در جنگ با مسائل واقعی مواجه می‌شوید که برای آدم‌هایی که در جنگ هستند هم تازه است. مسائل عجیبی پیش می‌آید، چیزی را نمی‌توانند پنهان کنند. خیلی ماجراها آشکارتر است و همه چیز در اوج است. اما تفاوت‌ها هم وجود هستند، به خاطر همین تفاوت‌های زیادی با سرفنامه دارد در این‌ها. نشاءات‌ها جدی است. نمونه خاصی از روایت جنگ را بخواندم که بخواهد در نوشتن کتاب تأثیر نگذارد. ولی قبل از سفر یک کتابی به نام یادداشت‌های بغداد را خواندم و این کتاب برایم جذاب بود. دو دست‌نوشته من جای آن نویسنده باشم. یادداشت‌های او حتی سرف کتاب روزانه است و اتفاق‌های کتاب کاملاً بکر و واقعی است. یعنی خبرنگار هم می‌تواند این طور بنویسد چون زندگی خبرنگار در خطر نیست. یک آدم از بیرون آمده و دیگر فرصت ندارد. اما سرفنامه‌ها در این‌ها تفاوت‌ها هم دارند.

**سخت‌ترین فرستادن نوشتن روایت شما کجا بود؟ سختی‌ای که وقتی داشتید می‌نوشتید هم برایتان قابل لمس بوده باشد؟**

در همه سرف‌های این مدلی سخت‌ترین به غیر از دیدن کشته شدن آدم‌ها و جنازه‌ها، بخشی است که بگیری می‌کنید و نمی‌دانید این سرف اتفاق می‌افتاد، یا نه. کسی به شما قولی نمی‌دهد چون همواره روزی هو هستید و نمی‌دانید می‌روید یا نمی‌روید و تا آخرین لحظه برای همه چیز استرس دارید، از گرفتن ویزا تا مشکلات مالی. مقدمات پشتیبانی سرف بیشترین فشار را حتی نسبت به خود سرف دارد. چون سرف در هیجان و قضایی هستند که پیش می‌رود و فشار جدی می‌به آدم وارد نمی‌شود.

**حتما در این سرف‌ها کسانیی شودید که می‌فهمیدند ایرانی هستید، چیزی بعد از این شناخت نمی‌گفتند؟**

در اوکرین خیلی ایرانی‌هایی شناختند و این را سواولی با عراق می‌دانستند. برخی از آدم‌ها شاید تشخیص می‌دادند ولی برایشان خیلی مهم نبود. جزوه اولویت‌ها نبود که به این ماجرا فکر کند. در کتاب هم گفتیم یکی از زمان‌هایی که دستگیر شدم، چون فهمیدند ایرانی هستم گفتند توریستی و با ویزون همکاری می‌کنی، یعنی نگاه اینچنینی داشتند. البته آن‌ها فکر نمی‌کردند اوکرین عوض شده و سر



ادامه از صفحه ۱۲

یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۰۲ شماره ۳۸۷۵

# ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

میلاد جلیل‌زاده خبرنگار گروه فرهنگ

یک دزدبزرگ فروریخته‌آب در تمام مزارع اطراف بر شده، زلزله آمده، سیل آمده، ساختمانی بزرگ در محله‌ای شلوغ از مرکز فروریخته، جماعتی به خیابان ریخته‌اند و اعتراض می‌کنند، یک آتش‌سوزی مهیب دود سفید حسرت‌زایی از یک بازار با چاه‌های مرغوب بلند کرده، میان دو کشور جنگ رسمی در گرفته است، شخصیت مهم و تأثیرگذار در گذشته و مردمان بسیاری اطراف خانه‌اش جمع شده‌اند، در کشوری کردنا شده است و… درافاصله‌در این مواقع اخبار ضدونقیض سرزبان‌های چرخد. از چندسال پیش که شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده‌اند سرعت انتقال این شایعات هر چندبرابر شده و ساعتی از ماجرا نگذشته که هر جور گمانه درست و غلطی سرسوزن‌ها می‌افتد. خبرگزاری‌های رسمی در این دست مواقع، بیشتر از اوقات عادی جمع‌روح قرار می‌گیرند چون بیشتر از توییت‌هاو استوری‌ها قابل‌بسی‌و منظم‌تری می‌رسند. این رسانه‌ها محل‌ارجاع‌خودشان را گفته‌های سبق مسئولان اجرایی و قضایی قرار داده‌اند تا از مقامات امنیتی مثل پلیس و ارتش استعالم می‌کنند. این اخبار نه کامل است نه جهت و صد درصد شفاف. ابتدای بسیاری از گزارش‌های حاشی و تعیین‌کننده در این گزارش‌های فوری چنین عبارتی می‌آید: «شیده‌ها حاکی است، بنا به گفته بعضی از شاهدان، یک منبع گناه که نتوانست ناشی فاش شود به خبرنگار ما گفت و… تا اولین پژوهشگران میدانی به ست‌و‌خورد و روند و ابتدای‌ترین گزاره‌های منطقی ارجاع‌ی‌ویدایی که برخ داده، به رشته تنظیم در بیابند، احتمالا قضایات‌های کلی درباره موضوع شکل گرفته است. تقصیر فلاتی‌ی‌بود، فلاتی‌های‌سعی‌گذاشته‌بود و موضوع حل شده، فلاتی‌ها بر حق هستند و فلاتی‌ها نا حق».

خبرنگار میدانی‌ای‌رومان آن کسی نیست که هنگام وقوع حادثه در محل حاضر باشد. کسی که با دوربین روشن به سدی که درحال فروریزی است پشت‌گرم‌ی‌واید می‌گوید، یا به حسب شانس در چنین لحظه حساسی اینجاست، چنانکه خبرنگار صدایموسدا هنگام سقوط پالاسکو در آنجا بود یا از مهزات پیشگوئی بهره‌می‌برد. خبرنگار میدانی‌ای‌رواقع‌برای‌روشن‌شدن

**به این‌سختی‌ها که اتفاق می‌افتاد به این فکر می‌کردید ممکن است دیگر به این‌بارن برنگردید؟**

معمولاً در این سرف‌ها به این چیزها فکر نمی‌کنم چون اگر به این مسائل فکر کنیم می‌ترسیم. به خاطر همین فکر نمی‌کنم و راحت هستم. یک‌بار در این سرف‌ها را گرفته‌م و ترسیدم از اینکه قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ نگران می‌بودم که موبایلم را راجک کنند که درباره اوکرین حرف زده بودم. ترسیدم فارسی‌زبان‌ی‌که با آنها کار می‌کنند مخالف ایران باشد و حرف‌هایم را برایشان ترجمه کند. این نگرانی را داشتم و البته شانس آوردم و هیچ کدام از فکرهایم اتفاق نیفتاد.

کیانا تصدیق‌محمد خبرنگار گروه فرهنگ

خواندن کتاب‌هایی که مبتنی بر اتفاقات واقعی یک بحران اجتماعی و سیاسی نوشته شده‌اند، زمانی جذاب هستند که نویسندگانش نزدیک به واقع‌ی‌های آن بحران داشته‌باشند. این کتاب‌ها، به‌دلیل اینکه نویسنده در ارتباط با ویداد، مواجه‌ای‌می‌باشه و دارد، مورد استقبال قرار می‌گیرد. در ادامه ۶ کتاب معرفی کردیم که مشتکل از روایت میدانی خبرنگاران از حوزه‌های سیاسی و اجتماعی است.

**برگردیم به مدل روایت شما در کتاب. در جایی از کتاب به پرنزیر کردی اشاره کردی. کنید و درباره آن حرف می‌زنید و بعد روایت را از اوکرین و جنگ می‌رسانید. این مدل روایت را چرا انتخاب کردی؟ این چیزی را از گذشته بیان کنید و به الان رسید. البته بگویم که این مدل روایت به کتاب جذابیت داده است.**

**۵ کتاب روزنامه‌نگار بلاروسی**
روزنامه‌نگار بلاروسی نوشته است. این کتاب خاطرات دختران و زنان روسی را روایت می‌کند که در زمان جنگ جهانی دوم سرباز شدند. معمولاً در همه جنگ‌ها تاریخ شفاهی است، به‌همین خاطر اعطای جایزه نوبل به او نته‌ها بسیاری روس‌زبان‌ها که برسر تاریخ ادبیات جهان حاضر شده‌باشند، اما این کتاب روایت دختران و زنانی را روایت می‌کند که در این میان تاریخ‌های رسمی و تعداد کسیر و تعداد ای‌همه کشته‌شدند. تعداد این دختران به بیش از ۵۰۰ هزار نفر می‌رسد.

**۶ کتاب روزنامه‌نگار بلاروسی**
نویسنده این کتاب روایت می‌کند که در دوره گذار از کمونیسم به شوروی به موقعیت‌های جدیدی در روسا سرز و با آدم‌های زیادی صحبت کرد.

**۷ کتاب از قبل از انتشار به کسی دادید که بخواند؟**
یکی دو نفر از دوستانم خواندند.

**از سختی‌های این مدل روایت کردن بگویید. این مدل روایت به حمایت نیاز دارد. مثلاً شاید خبرنگار الجزیره یا نیویورک تایمز حمایت می‌شوند تا این گزارش را در مناطق جنگی بنویسند ولی این کار حمایت را ندارند. این سختی‌هایی را به آدمی که می‌خواهد وارد این میدان شود تحمیل می‌کند.**

سازمان‌های رسانه‌ای هرچه به مخاطب بدهند مهم نیست چون کسی مطالب را چنانی دور می‌خواند و بعد می‌داند. دلیل این مدل روایت بخشی‌ممنون‌باید‌شود و کمک و حمایت کند، چه رسانه‌های مکتوبی چه صدایموسدا ولی معمولاً این اتفاق رخ نمی‌دهد. نیاز به تجربه و زیرساخت دارد. نیاز به پشتیبانی دارد. همه این چیزها در کتاب آمده‌است و در ایران وجود ندارد. در ایران هر که در جنگ می‌خواهد وارد این میدان شود، باید تمام شرایط را در اختیار مخاطبش گذارد. همه سبک روایت چندمدایی او بود که باعث شد آدم‌های نوبل جایزه ادبیات ۲۰۱۵ را به این نویسنده دهد. تفاوت کتاب زمان دست‌نوشته دوم با دیگر کتاب‌های این نویسنده در این است که در این‌بار سراغ فروریزی در زمان جنگ است. او بازه زمانی‌ای را انتخاب کرده که شوروی دیگر در حال سقوط است و شهروندانش باید تمام آزما‌ها و تلیفات گننده حکومت ۷۰ساله را کنار بگذارند و به زندگی جدیدی عادت کنند.

## فرهنگ

**۵ چارسو**

**۵ توسعه‌نمایش خانگی به‌نفع مردم و فضای عمومی کشور است**



فیلم‌نامه‌نویس مطرح سینمای ایران معتقد است گسترش شبکه‌نمایش خانگی طی سال‌های اخیر باعث شد تا انحصار صدایموسدا شکسته شود.

فرهاد توچدی در گفت‌وگو با روزنامه «فرهیختگان» گفت: «به‌نظرم انحصار در هیچ زمینه‌ای خوب نیست و متأسفانه در کشور ما از حوزه فرهنگ، این انحصار وجود دارد. به هر حال شاید تجربه این سال‌ها ثابت کرده در بسیاری از زمینه‌ها باید بازنگری کنیم از جمله در مورد شکستن انحصار تولیدات در حوزه صوت و تصویر».
توچدی بیان اینکه قانون اساسی این منبع را ایجاد کرده است، جز صدایموسدا، تلویزیون خصوصی در کشور فعالیت نمی‌کند، تصدیق کرد: «به هر حال شبکه‌خانگی تا حدودی این زمینه و فضا را ایجاد کرده که نباید ترسی از وجود رفقای دیگر در کنار سازمان صدایموسدا در حوزه رسانه وجود داشته باشد.»
وی با تأکید بر اینکه شکستن انحصار یکی از موارد تغییرات است، افزود: تجربه دو دهه اخیر نشان داده است که به‌رحال فناوری و انقلاب دیجیتال همه چیز را در حوزه اطلاع‌رسانی و هم در حوزه صنعت سرگرمی متحول کرده است. به نظر من این نوعی است که در شبکه‌نمایش خانگی بدون اینکه حساسیتی ایجاد کند، حاصل شد و به‌نظم توفیق کمی نیست.»

ازدورد: «متأسفانه انحصاری که صدایموسدا ایجاد کرده بود توفیقی پیدا نکرد اما فاقطه مردم را از جست‌وجو در منابع دیگر منع نکرد و به هر حال مردم سراغ ماهواره‌ها رفتند. تعارض هم این بود که شبکه‌های بسیار فراوانی که شاید تولید محتوا به‌شدتند از تولیدات داخل برای پرکردن آنتن خود استفاده کردند و موارد دیگری هم از میان تولیداتی که از اینجاست می‌شد، خود برداشت می‌دادند، توحیدی در همین زمینه ادامه داد: «متأسفانه شبکه‌های ماهواره‌ای به‌مورد توحید قرار گرفته‌اند و برخی کشورها همسایه با تولیدات خود مخاطب ایرانی هم جذب کردند. البته این‌ها راه‌ها هم اضافه‌کنم که به‌نظرم حق مخاطب است از هر سیریتی که تمایل دارد، محتوای مدنظر را دریافت کند اما هر حال گسترش ماهواره در خانواده‌های ایرانی تبعات منفی هم دارد که اگر کارگران فرهنگی متوجه آن نباشند، بعدها آسیب‌های دیگری به‌بار می‌آورد.»

وی با بیان اینکه شبکه‌های ماهواره‌ای و محصولات آن، به‌هرحال تأثیر خود را بر خانواده‌های ایرانی گذاشت، تصریح کرد: «این تأثیرات را رونق گرفتن شبکه نمایش خانگی تا مقدار زیادی کاهش پیدا کرد و توجه مردم به سمت تولیدات شبکه‌نمایش خانگی که کمزرت‌شدن حضور ماهواره‌ها در خانواده‌ها، خاصی که در این زمینه احساس می‌شد تا حد زیادی از بین رفت و مخاطب ایرانی‌ای متوجه تولیدات داخلی می‌گردد.»

توحیدی در پایان گفت: «به‌نظرم هر چقدر که دست شبکه‌نمایش خانگی برای تولیدات متنوع‌تر و البته کیفی‌تر باز باشد، این توفیقات افزون‌تر خواهد شد. از آنجایی که به هر حال شبکه‌نمایش خانگی و پلتفرم‌ها خصوصی هستند و چهارچوب‌های معمول صدایموسدا ندارند، باید با نگاه‌بازاری به تولیدات آنها نگاه کرد و آنها را آمیزی‌های مرسوم، محدود نکرد.»

این نویسنده همچنین تأکید کرد: «تسیمی که شبکه‌نمایش خانگی توانسته در فضای فرهنگی ایجاد کند، باید تقویت شود. امکان شبکه‌مخاطب از این مدلی بیشتر است که در گذشته فراهم شده، هر چقدر به انحاط کیفی و کمی از تولیدات رشد کند، قطعاً به‌نفع مخاطبان و فضای عمومی کشور خواهد بود.»

**۵ «برادران سوپر ماریو» سومین انیمیشن بزرگ تاریخ شدند**



به گزارش مهر به نقل از اسکرین، در هفتمین آخر هفته اکران فیلم «برادران سوپر ماریو» با فروش ۱٫۲۴ میلیارد دلاری، شگفت‌انگیزان ۲۲ پستی گرفت و به سومین انیمیشن بزرگ تمام دوران در باکس آفیس جهانی تبدیل شد. این انیمیشن تاکنون یک میلیارد و ۲۵۴ میلیون و ۷۰۴ دلار فروخته است.

در میان فیلم‌های انیمیشن، تنها به‌رتبه ۲۲ با فروش ۱٫۲۵ میلیارد دلار و «بیدار» با فروش ۱٫۲۸ میلیارد دلار فروش بیشتری داشته‌اند. البته در این ارقام تیورم لحاظ نشده است.

با فروش ۶۷٫۴ میلیون دلار تاکنون، مرکیز هچمان برترین منتقد بین‌المللی برای این فیلم «بیدار سوپر ماریو» است. در رتبان که تنها هفته را اکران این انیمیشن می‌گذرد فروش آن در بریتانیا (برلند با فروش ۶۴٫۳ میلیون دلار) بیش‌تره و در این هفته فروش ۶۷٫۴ میلیون دلار، دومین منقله بزرگ فروش بین‌المللی آن شد. فروش در میان فرانسه سه در زاین که در فروش ۵۰٫۳ میلیون دلاری را ثبت کرد، فروش ۱٫۶ میلیون دلاری این انیمیشن دومین منطقه فروش بود و نشان داد برادران سوپر ماریو هنوز دارد به فروش خود ادامه می‌دهد. شروع تعطیلات در فرانسه سال ۱۹۷۰ جایزه بانکا را برای این کتاب دریافت کرد.

فالاچی این کتاب را براساس مساجحه با برخی از قهرمانان جنگ، برایان جبهه ۱ جنگ جهانی اول و سربازان ارتش ایالات متحده نوشت. شروع زندگی، جنگ دیگر هیچ با داستان شهادت تعدادی از سربازان می‌آید، الطبع در کنار مساله خانواده مطرح و موضوع یعنی سرگرمی‌های فرزندان و همچنین دیگر اعضا مانند پدر، مادر، خواهر و برادر. در سال ۱۹۷۲ کتاب فالاچی توسط مایکل جوزف به انگلیسی ترجمه و منتشر شد. در ایران هم به‌نقل حضور نیروهای ایرانی در سوریه، ردیای ترجمه و توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده است.

دیگر داستان‌های فرورش تاریخ میلیون‌ها، در سال ۲۰۱۵ با فروش ۱٫۱۶ میلیارد دلار، این کتاب اسباب بازی ۲۰۱۹ با فروش ۱٫۰۲ و دوستان اسباب بازی ۲۰۱۰ با فروش ۱٫۰۶ میلیارد دلار بوده‌اند.